افتتاح نمایشگاه «روزگار کودکی»

نمایشگاه گروهی عکس «روزگار کودکی» مجموعه آثاری است که تلاش کرده با نگاهی به حالات بیانی پرتره و فیگور کودکان در جای جای سرزمین پهناور ایران، دوران کودکی و خاطراتش را دوباره زنده کند. این مجموعه حاصل تلاش دانشجویان رشته عکاسی و گرافیک است و یازدهمین مجموعه عکسی است که به سرپرستی حمیدرضا زینالی، مدرس رشته عکاسی و فیلمسازی برای بازدید گردآوری شده است.

افتتاحیه نمایشگاه عکس «روزگار کودکی» روز دوشنبه، ۱۹ تیرماه از ساعت ۱۷ تا ۲۰ با حضور هنرمندان و هنردوستان در گالری پردیس ملت برگزار می‌شود.علاقه‌مندان می‌توانند برای دیدن نمایشگاه تا ۲۶ تیرماه هر روز از ساعت ۱۱ تا ۲۰ به گالری پردیس ملت واقع در خیابان ولیعصر (عج)، ابتدای بزرگراه نیایش، روبه‌روی کردستان، طبقه منفی ۲ مراجعه کنند.

کشف آثار سلجوقی و ایلخانی در شهر باستانی اوجان

بررسی‌های باستان‌شناسی در شهر باستانی اوجان به کشف آثاری از دوره‌های ایلخانی و سلجوقی از جمله سفال، سکه و ۳ برج آرامگاهی منجر شد.

رحیم ولایتی سرپرست هیأت شناسایی، گمانه‌زنی و تعیین عرصه و حریم شهر تاریخی‌ایلخانی اوجان این مطلب را در نشست «گزارش به همکار» با اشاره به پیشینه تاریخی شهر ایلخانی اوجان گفت: «شهر تاریخی و باستانی اوجان از جمله شهرهای مهم دوره ایلخانی (اقامتگاه تابستانی خاندان شاهی ایلخانی) در جنوب شهر امروزی بستان‌آباد آذربایجان شرقی است که در دوره غازان‌خان ایلخانی بازسازی و مورد استفاده قرار گرفته است.»

سرپرست هیأت شناسایی، گمانه‌زنی و تعیین عرصه و حریم شهر تاریخی‌ایلخانی اوجان با بیان این‌که بنا به‌گفته منابع تاریخی این شهر قبل از دوره ایلخانی و به‌خصوص در دوره سلجوقیان رونق نداشته اظهار کرد: «این شهر در پی حوادث مختلف از جمله زلزله و جنگ‌های متعدد نتوانسته موجودیت خود را به عنوان یک شهر مهم و استراتژیک حفظ کند و تنها در دورهٔ ایلخانی است که به شکوه و رونق شایستهٔ خود دست می‌یابد.»

این باستان‌شناس با استناد به این موضوع که هر شهر یا بنای تاریخی معرفِ بخشی از وضعیت سیاسی، مذهبی و اجتماعی است که در پیِ تغییر و تحولات سیاسی به‌وجود آمده تصریح کرد: «یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی دوره ایلخانی پیدایش شهرهایی با ماهیت هنر معماری و شهرسازی خاص نظیر اوجان است.»

کشف سکه‌های مسی

وی مهم‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی بررسی آثار سطحی محوطه شهر تاریخی‌ایلخانی اوجان را نمونه‌های فراوان سفال‌های سلجوقی و ایلخانی در سطح گسترده محوطه، نمونه سکه‌های مسی به‌دست‌آمده از سطح و کاوش محوطه شهر اوجان، آثار دو قبرستان ایلخانی که محوطه آن با خشت‌های مربع خاص دوره ایلخانی کار شده و سه برج آرامگاهی با ریشه مدور دو مورد در داخل محوطه و یک مورد در خارج از محوطه اعلام کرد.

ولایتی گفت: «در سه فصل بررسی باستان‌شناختی در شهرستان بستان‌آباد نتایجی مانند موجودیت شهر از قرون اولیه اسلامی و رونق و توسعه آن در دوره ایلخانی (به‌استناد منابع مکتوب) و انطباق موقعیت جغرافیایی آن با شهرستان بستان‌آباد فعلی (به‌استناد مطالعات باستان‌شناسی) در دو محوطه ایلخانیِ «کوللر و دالی دره‌سی» به‌دست آمد.»

وی بیان کرد: «با توجه به سه فصل بررسی‌های باستان‌شناختی، احتمالا محوطه‌های دالی دره‌سی و کوللر واقع در روستای اشرف‌آباد در ساحل غربی رودخانه «اوجان‌چای» قسمتی از شهر اوجان هستند.»

سرپرست هیأت شناسایی، گمانه‌زنی و تعیین عرصه و حریم شهر تاریخی‌ایلخانی اوجان افزود: «در پژوهش میدانی جدید (گمانه‌زنی و تعیین عرصه و حریم) سعی شد تا داده‌های جدیدِ حاصل از پژوهش میدانی و بررسی‌های باستان‌شناختی در منطقه بستان‌آباد با منابع مکتوب دوره ایلخانی، مورد سنجش و تحلیل قرار گیرد تا یک گام دیگر برای معرفی این شهر بزرگ اسلامی‌تاریخی برداشته شود.»

به گفته ولایتی، با توجه به بررسی‌های میدانی و پیمایشی که در دو سال اخیر در شهرستان بستان‌آباد انجام شده و بر اساس توصیف منابع تاریخی از شهر اوجان باید آن را در حوالی شهر بستان آباد فعلی جست‌وجو کرد.

بررسی محل‌های خاک‌برداری‌شده

وی در ادامه با بیان مختصری از روش کار و شناسایی آثار فرهنگی‌تاریخی در قالب پروژه شناسایی، گمانه‌زنی و تعیین عرصه و حریم این شهر گفت: «برای شناسایی آثار فرهنگی و تاریخی شهر اوجان علاوه بر حفر گمانه‌هایی برای تعیین عرصه وحریم باید محل‌های خاک‌برداری بزرگ برای ساخت اتوبان زنجان ـ تبریز به‌عمق ۴ تا ۸متر که توسط اهالی به شرکت‌های راه‌سازی فروخته شده نیز موردبررسی قرار می‌گرفت.»

وی افزود: «در محل‌های خاک‌برداری‌شده بعضا آثار فرهنگی، داغی دیوارهای مسکونی شهر یا آثار گورستان‌های ایلخانی شهر قابل مشاهده است.»

به گفته این باستان‌شناس، در بعضی از این گودال‌های خاک‌برداری‌شده به‌دلیل عمق بیشتر خاک‌برداری متاسفانه همه آثار فرهنگی هم در بستر آن جمع‌آوری شده و هیچ آثار فرهنگی‌تاریخی در آن مشاهد نمی‌شود.

وی در ادامه خواستار تعیین ضوابط و مقررات حفاظتی عرصه شهر باستانی اوجان شد و گفت: «هرگونه ساخت‌وساز، عملیات اجرایی، دخل و تصرف، تفکیک عرصه، تغییر در وضعیت توپوگرافی و تسطیح زمین و هرگونه اقدامی که منجر به تخریب یا آسیب به عرصه و اعیان اثر تاریخی اوجان شود ممنوع است.»

ضرورت تداوم فعالیت های باستان‌شناسی

ولایتی افزود: «انجام فعالیت‌های باستان‌شناسی پژوهشی، مرمت و سامان‌دهی و نظایر آن که با هدف حفظ و احیای ارزش‌های فرهنگی و تاریخی برای محوطه اوجان لازم است، پس از تهیه طرح و تصویب نهایی آن از سوی سازمان میراث‌فرهنگی صنایع‌دستی و گردشگری و اجرای دقیق مفاد طرح مصوب معتبر خواهد بود.»

به گفته این باستان‌شناس، گسترش شهرک صنعتی کنار محوطه و ساخت سوله و کارخانه و حفر چاه، ایجاد زیرزمین، قبور و تدفین اموات در عرصه شهر باستانی اوجان و هرنوع عملیات عمرانی در عرصه آن ممنوع است.

وی ایجاد هرگونه سازه یا مانع که ارتباط بصری اثر با محیط پیرامون را مخدوش سازد در عرصه ممنوع اعلام کرد و گفت: «هرگونه توسعه و نوسازی مستحدثات موجود (خانه‌های مسکونی روستای احداث‌شده) در عرصه شهر ممنوع است و پس از پایان عمر مفید باید از عرصه شهر باستانی اوجان آزادسازی شوند.»

سرپرست هیأت شناسایی، گمانه‌زنی و تعیین عرصه و حریم شهر تاریخی‌ایلخانی اوجان ضمن بیان این‌که ایجاد فضای سبز یا هرگونه توسعه گردشگری باید با مجوز سازمان میراث‌فرهنگی صورت گیرد، تصریح کرد: «بر این اساس ساخت خانه‌باغ تحت هر عنوان در عرصه اثر ممنوع است.»

وی با اشاره به ضوابط و مقررات حفاظتی حریم شهر باستانی اوجان افزود:«انجام یا صدور مجوز هرگونه عملیات اجرایی، ساخت‌وساز، تخریب و نوسازی، گواهی پایان کار ساختمان، ایجاد تأسیسات و نظایر آن در محدوده حریم شهر باستانی اوجان بدون استعلام و کسب مجوز از سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری ممنوع است.»

او حداکثر ارتفاع مجاز ساخت‌وساز در این محدوده با رعایت سایر ضوابط عمومی حریم و استعلام و کسب مجوز از سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری را ۷/۵ متر در دو طبقه و بدون زیرزمین اعلام و تصریح کرد در صورت برخورد با هرگونه آثار و یا لایه‌های فرهنگی تاریخی در حین انجام عملیات اجرایی، بلافاصله عملیات متوقف و ادامه عملیات ممنوع است.

تناسب معماری با شهر باستانی

به گفته او، طرح معماری و مصالح برای نمای ساختمان‌ها باید متناسب با ویژگی‌های تاریخی فرهنگی شهر باستانی اوجان باشد و قبل از اجرا باید به تأیید سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری برسد.

وی گفت: «توسعه، تعریض یا ایجاد جاده در حریم ممنوع است و کلیه طرح‌های اجرایی این محدوده باید قبل از اجرا امکان‌سنجی و به‌تصویب سازمان میراث‌فرهنگی برسد.»

سرپرست هیأت شناسایی، گمانه‌زنی و تعیین عرصه و حریم شهر تاریخی‌ایلخانی اوجان افزود: «معماری روستای مجاور محوطه شهر باستانی اوجان برپایه طرح هادی ویژه‌ای که به‌تصویب سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری خواهد رسید، باید در هماهنگی کامل با جایگاه تاریخی فرهنگی محوطه باستانی (با الگوهای سنتی و نماسازی سنتی) باشد.

ولایتی اظهار کرد: «انجام فعالیت‌های کشاورزی و باغ‌داری در حریم پس از استعلام و اخذ مجوز از سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری بلامانع است.»

شناسایی برگزیدگان هنری کلید خورد

آیین‌نامه شناسایی و پشتیبانی از برگزیدگان هنری کشور به همت بنیاد ملی نخبگان به مرحله اجرایی درمی‌آید.

علاقه‌مندان می‌توانند تا پایان مرداد ماه امسال با مراجعه به سامانه جامع اطلاعاتی بنیاد ملی نخبگان به نشانی http://portal.bmn.ir، ضمن نام‌نویسی در بخش «نام‌نویسی متقاضی» و انتخاب گزینه «هنری» در بخش «حوزه فعالیت»، اطلاعات خود را ارسال کنند.

برگزیدگان هنری در گروه‌های هشت‌گانه هنر، «هنرهای نمایشی»، «هنرهای تجسمی»، «هنرهای سینمایی»، «موسیقی»، «هنرهای سنتی»، «صنایع دستی»، «معماری و شهرسازی» و «هنرهای چندرسانه‌ای» و در دو رده «مستعد برتر هنری» و «سرآمد هنری» تعریف می‌شوند.

بر اساس اعلام پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد ملی نخبگان، مستعد برتر هنری به فردی اطلاق می‌شود با استعداد ویژه که فعالیت‌های هنریِ وی نشان از آتیه درخشان هنری داشته باشد، ولی لازم است این استعداد به مدد لطف الهی، تلاش فردی و پشتیبانی مراجع ذی‌ربط، هرچه بیشتر از قوه به فعل درآید تا به «سرآمد هنری» تبدیل شود. مهم‌ترین شاخصه‌های شناسایی مستعد هنری عبارت است از «آثار هنری وی دارای نشانه‌هایی خلاقانه، نوآورانه، واجد ارزش‌های بدیع هنری و متفاوت با کار عموم باشد»، «آثار هنری او متعهدانه، اخلاق‌مدار و در مسیر تعالی انقلاب و آداب اسلامی ـ ایرانی باشد» و «جوان، در محدوده سنی ۱۵ تا ۴۰ سالگی باشد».

شاخص‌های شناسایی برگزیدگان هنری

برگزیدگان هنری بر اساس شاخص‌های «کسب افتخارات هنری (از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی و سایر نهادهای مرتبط)»، «کسب موفقیت در رویدادهای هنری در سطح ملی و بین‌المللی»، «آفرینش آثار بدیع»، «تخلق به اخلاق اسلامی و آداب ملی»، «داشتن فعالیت‌های برجسته پژوهشی، آموزشی، ترویجی، تبلیغی و شاگردپروری درحوزه هنری» و «داشتن پیشینه تحصیلی و تخصص علمی در زمینه‌های مرتبط با هنر» شناسایی می‌شوند.

دریافت دست‌کم ۲۰۰ امتیاز از جدول ۱ (شیوه‌نامه شناسایی برگزیدگان هنری کشور) برای مستعدان ضروری است.

بر اساس این گزارش، «صرفاً فعالیت‌های مرتبط حوزه هنری مورد بررسی قرار می‌گیرند»، «هر یک از مصادیق اشاره شده در شیوه‌نامه دارای امتیازی برای شناسایی افراد مستعد و سرآمد است و داشتن شرایط یک بند الزاماً به معنای برگزیدگی نیست» و «بدیهی است پس از بارگذاری مدارک توسط متقاضی، روند بررسی و امتیازدهی توسط کارگروه‌های تخصصی بنیاد آغاز شده و نتیجه آن در وقت مقتضی اعلام می‌شود». همچنین نتیجه بررسی‌های دقیق و کارشناسی کارگروه‌های تخصصی قابل تجدید نظر نیست.

تسهیلات و پشتیبانی

به منظور هدایت و تسهیل مسیر رشد و ارتقای مستعدان برتر هنری، تسهیلات «تسهیلات مادی برای بهره‌مندی از محضر استادان رشته‌های تخصصی هنری»، «اعتبار مالی برای تأمین‌کمک‌هزینه خلق آثار هنری، راه‌اندازی‌کارگاه‌های هنری، عضویت در مجامع هنری داخلی و خارجی، خرید آثار هنری، شرکت در مجامع هنری داخلی و سایر موارد مشابه»، «درنظرگرفتن امتیاز در جدول جایزه‌های تحصیلی دانشجویان صاحب استعداد برتر»، «درنظرگرفتن امتیاز در جدول تسهیلات دانش‌آموختگان برتر دانشگاهی» و «تسهیلات فرهنگی و رفاهی شامل کمک هزینه سفرهای زیارتی، گردشگری ملی، تسهیلات بیمه و مشابه آن» به نام «جایزه کمال‌الملک»، به‌گرامی‌داشت شأن هنری «مرحوم محمد غفاری (کمال‌الملک)»، به آنان اعطا می‌شود.

شب دوستی ایران و ایتالیا

ریکاردو موتی، رهبر ارکستر مطرح ایتالیایی چوب رهبری خود را برای ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر فستیوال راونا به حرکت درآورد.

اولین اجرای مشترک ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر فستیوال راونا که در ادامه پروژه «جاده دوستی» این رهبر ایتالیایی است، شامگاه ۱۵ تیرماه در تالار وحدت تهران به روی صحنه رفت.

این اجرا که به رهبری ریکادو موتی و مدیریت هنری شهرداد روحانی برگزار شد دربرگیرنده رپرتواری از اپراهای جوزپه وردی –آهنگساز ایتالیایی– بود.

در این کنسرت که با استقبال خوبی مواجه شده بود مهمانی مانند سفرای برخی کشورها، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی، سخنگوی وزارت امور خارجه، مدیرعامل انجمن موسیقی ایران، منوچهر صهبایی، آتیلا پسیانی، سهراب کاشف، پریسا بخت آور، علی اکبر قربانی، نادر مشایخی، کریستف رضاعی و... داشت.

این کنسرت با نواختن سرود ملی ایران و ایتالیا آغاز شد.

پس از پایان این اجرا و هنگام اهدای هدایای بنیاد رودکی به مهمانان ایتالیایی این رویداد، علی مرادخانی –معاون امور هنری وزارت ارشاد– با بیان اینکه امیدوار است از این دست اتفاقها بیشتر رخ بدهد، گفت: ما دوست داشتیم این گروه ایتالیایی در ایران چند روز بیشتر می‌ماندند تا به شیراز و اصفهان نیز سفر کنند، البته در فرصت مناسب این اتفاق رخ خواهد داد و در فرصت‌های آتی در این شهرها نیز همین برنامه‌ها را در آن شهرها اجرا می‌کنند.

او همچنین ضمن بیان پیام تشکر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به این رویداد، اظهار کرد: وزیر دوست داشت در این اجرا حضور داشته باشد اما به علت سفرش به اصفهان و جلسات مکرر کاری این امر محقق نشد.

ریکاردو موتی نیز گفت: خوشحالم که با نوازندگان ایرانی همکاری داشتم و با هم نوای مشترک موسیقیدان ایتالیایی را نواختیم. موسیقی امری جهانی است و با توجه به اینکه دو ملت ایران و ایتالیا دارای تمدن غنی و دیرینه‌ای هستند می‌توانند با موسیقی این فرهنگ را پیوند دهند.

او اضافه کرد: موسیقی از نظر من به یکدیگر پیوند خوردن است و اطمینان دارم این همکاری تازه شروع کار است و ما می‌توانیم در کنار هم آینده خوبی را رقم بزنیم.

شهرداد روحانی نیز بیان کرد: ما امشب شاهد موقعیتی بودیم که دیگر قابل تکرار نیست، البته من امیدوارم در آینده‌ای نزدیک شاهد تکرار چنین اتفاقاتی باشیم. به هر حال وجود مایسترو موتی برای همه ما ارزشمند بود.

کریستیانا موتی –همسر ریکاردو موتی و مدیر هماهنگی فستیوال راونا– هم از معاون هنری وزیر ارشاد و مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی ایران تشکر کرد.

او همچنین بیان کرد: من از ریکاردو زانلاتو، تنوره پوتی و لوکا سالسی خوانندگان ایتالیایی کنسرت تشکر می‌کنم که واقعا شب خاطره انگیزی را برای ما به وجود آوردند.

در ادامه،معاون وزیر میراث فرهنگی و فعالیت‌های فرهنگی کشور ایتالیا اظهار کرد: من هم از طرف دولت ایتالیا از همه شما تشکر می‌کنم که چنین برنامه جالب توجهی را برگزار کردید. ما قطعا در آینده نزدیک برای شکوفا شدن فعالیت دو کشور رویدادهایی مانند این کنسرت را برگزار خواهیم کرد.

او ادامه داد: من امروز این افتخار را داشتم که پیش از کنسرت از موزه ایران باستان و موزه موسیقی دیدن کنم که با وجود برنامه‌های فشرده برایم لذت بخش بود. امیدوارم اجرای پیش روی این مجموعه مشترک در ایتالیا نیز تا این حد باشکوه باشد.

جایزه بهترین تصویرگر ادبیات کلاسیک آمریکا برای یک ایرانی

جایزه مدال طلای ۲۰۱۷ بهترین تصویرگر سالانه ادبیات کلاسیک آمریکا برای کتاب «دختر طبل‌زن» به هدی حدادی تعلق گرفت. کتاب «دختر طبل‌زن» نوشته هیبا مسعود با تصویرگری هدی حدادی جایزه مدال طلای ۲۰۱۷ بهترین تصویرگر سالانه ادبیات کلاسیک آمریکا را از آن خود کرد.

این کتاب همچنین جایزه بهترین کتاب فرهنگی را دریافت کرد.

داستان این کتاب نوشته هیبا مسعود است و درباره یک دختر در شهر استانبول که در ایام رمضان با نواختن طبل روزه‌داران را برای سحری بیدار می‌کند. او اولین دختر طبل‌زن در شهر استانبول است و همه را به تحسین وا می‌دارد. داستان این کتاب براساس واقعیت شکل گرفته است.

نشان درجه یک هنری برای لالایی‌خوان قشقایی

یک لالایی‌خوان پیشکسوت قشقایی و پژوهشگر حوزه موسیقی اقوام و نواحی، نشان درجه یک هنری برای «آواز» گرفت.

این هنرمند پیش از این، نشان درجه دو هنری را در بخش «پژوهش» گرفته بود و این‌بار نشان درجه یک را که معادل دکتری است، برای آواز دریافت کرده است.

این موسیقیدان و پژوهشگر متولد سال ۱۳۲۸ در ایل قشقایی است. او کودکی خود را در ایل گذراند و سال‌ها به‌عنوان آموزگار در مناطق مختلف عشایری استان فارس خدمت کرد. بهمنی در چند دهه‌ی اخیر، در انتشار کتاب‌هایی مانند «داستان‌ها و حکایت‌ها و افسانه‌های اقوام ترک»، «ایران ترکلر»، «جغرافیای محیط عاشقی ترکان ایران» و چند کتاب دیگر همکاری داشته است.

این هنرمند همچنین آلبوم‌هایی را مانند «خدای من غریب»، «به یاد فرود»، «مجموعه نغمه‌های عاشقی قشقایی»، «آوازهای قشقایی» و چند آلبوم دیگر منتشر کرده است.

پروین بهمنی چند سال پیش در جریان برگزاری «فستیوال فرهنگ، ادبیات و موسیقی ترک‌زبانان جهان» در قزاقستان، به پاس زحماتی که در چند دهه‌ی گذشته در عرصه‌ی فرهنگ کشیده بود، به‌عنوان «بانوی برگزیده فرهنگی ترک‌زبانان جهان» معرفی و تقدیر شد.

غیبت مقامات نظام پزشکی

در نخستین سالگرد درگذشت عباس کیارستمی، مراسمی با حضور وزیر بهداشت و جمعی از هنرمندان و فرزند زنده‌یاد کیارستمی برگزار شد و روند بررسی پرونده پزشکی این فیلمساز مورد بحث قرار گرفت.

در این‌باره بهمن کیارستمی به ایسنا گفت: در جلسه برگزار شده (۱۴ تیرماه در دانشگاه شهید بهشتی)، غیبت مقامات نظام پزشکی و پزشکی قانونی معنادار بود و صراحتا نشان می‌داد که در بررسی این پرونده همچنان عزم این دو سازمان در دفاع از پزشکان خاطی جزم است، اما همانطور که در آن جلسه اعلام شد، هدف اصلی از پیگیری این پرونده، صدور حکم علیه پزشک خاطی نبوده و آن چه حائز اهمیت است، ارائه گزارش کامل و مستند از روند درمان است.

او ادامه داد: در پایان جلسه چهارشنبه وعده تهیه و ارائه گزارش با کمک رئیس جمهوری را از آقای دکتر هاشمی (وزیر بهداشت) شنیدیم، اما پیام اصلی این وعده ناکارآمدی مراجع رسیدگی به پرونده های پزشکی است.

ستون یاد

بقایی ؛بخش جدایی ناپذیر خاطرات ما دهه شصتی ها

الهام رئیسی‌فرادنبه – روزنامه‌نگار

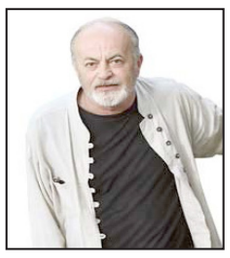

بهروز بقایی از جمله بازیگران تلویزیون است که دستی هم در نویسندگی و کارگردانی دارد و ساخت آثاری مانند «دنیای شیرین دریا»، «قطار ابدی» و «نوعی دیگر» را در کارنامه دارد.

بهروز بقایی را کمتر کسی هست که نشناسد مخصوصا جوان‌های دهه شصتی که نوجوانی خود را با سریال‌های چند شبکه خاص گذرانده‌اند. شبکه‌هایی که رقیبی برایشان یافت نمی شد، نه ماهواره ای بود نه اینترنتی و کمتر کسی در منزل خود ویدئو داشت. دنیای شیرین، دنیای شیرین دریا، همسران و ... شاید ماندگارترین این مجموعه‌های تلویزیونی باشد که حالا تنها یک خاطره نوستالژیک از آنها در ذهن‌ها مانده است.

درباره خوش می‌گوید: « یک کودک درون همیشه همراه من است که سفیر و سرگردان است و اوست که خیلی از رفتارهای من را شکل می‌دهد. گاهی باید بزنم توی سرش تا آرام شود، گاهی می‌گذارم روی شانه و به تفریح می‌برمش و خیلی هم احساساتی است و زود تحت تاثیر قرار می‌گیرد. شاید علاقه به کار برای کودکان هم از همین اتفاق می‌آید. کودکان صاف‌ترین مخلوقات و لوح هستند که آدم دوست دارد بهترین کارها را برایشان بکند. دوست دارم سالی دو سریال برای کودک و نوجوان بسازم اما خب تا حالا که نشده است.» بهروز بقایی در تیر ماه ۱۳۳۲ در محله عشرت‌آباد تهران به دنیا آمد. او فعالیت خود در زمینه تئاتر را با نمایش لبخند با شکوه آقای گیل در سال ۱۳۵۲ آغاز کرد و در سال ۱۳۵۹ با فیلم سینمایی تاریخ سازان(هادی صابری) فعالیت سینمایی خود را نیز آغار کرد. بقایی همچنین دانش آموخته بازیگری و کارگردانی دانشگاه هنر در سال ۱۳۵۷ و همسر پرستو گلستانی (بازیگر) است.بقایی همواره همکاری نزدیکی با بیژن بیرنگ و مسعود رسام دارد که از آن‌جمله می‌توان به مجموعه محبوب همسران، سرزمین سبز، قطار ابدی و سیب خنده(مجموعه طنز برای کودکان) اشاره کرد. از آخرین فعالیتهای تلویزیونی وی میتوان کارگردانی سری دوم مجموعه بازهم زندگی را نام برد. وی همچنین در یکی از قسمتهای سری نخستین این مجموعه با عنوان جناب مستطاب آشپزی که با شرکت نجف دریابندری و همسر وی به موضوع کتاب مستطاب آشپزی(نوشته نجف دریابندری.) میپرداخت در یک گزارش طنز به کندوکاو در آبگوشت فروشیهای تهران پرداخت.

بهروز بقایی در شامگاه روز دوشنبه ۱۸ آبان ۱۳۸۸ قبل از حضور در اجرای نمایش «هملت با سالاد فصل» دچار عارضه قلبی شد و در بیمارستان بستری شد. او قبل از ورود به تماشاخانه سنگلج دچار سکته قلبی و مغزی شد که بلافاصله بعد از این اتفاق به بیمارستان شماره ۲ انتقال داده شد . اما به دلیل کمبود امکانات بیمارستان به بیمارستان جم انتقال داده شد. این روزهایش را این گونه توصیف می‌کند: «شاید فکر کنید که زیاد فیلم می‌بینم. من قبل‌ها فیلم‌های زیادی دیده‌ام الان بیشتر می‌خوانم و می‌نویسم. شعر می‌گویم و ترانه می‌گویم و مدام در حال خواندن و نوشتن هستم. کمتر اتفاق می‌افتد که به سینما بروم. حتی مدت زیادی است که در سینما هم بازی نکرده‌ام. دوست ندارم پول مالک ذهن سینما باشد. از فضای عدم صداقتی هم که هست رضایت ندارم. خیلی از فیلم‌ها از روی نمایشنامه‌ها و فیلم‌های خارجی ساخته می‌شوند اما هیچکس اول یا آخر فیلم نمی‌گوید که این کار نگاهی بوده به آن فیلم یا داستان یا کتاب. آخرین فیلمی که بازی کردم «سیب و سلما» بود که کاندیدای سیمرغ بلورین برای نقش مکمل شدم. »

آرزوی سلامت و لبخند داریم برای او در سالروز تولدش.

کتابخانه‌ای برای زندگی بهتر

موسیقی شانس

موسیقی شانس از رمان های نویسنده معروف آمریکایی، پل استر می‌باشد. این کتاب در سال ۱۹۹۰ نوشته شده است که چند سال بعد فیلمی به همین نام با بازی مندی پتینکین در نقش ناش و جیمز اسپیدر در نقش پازی به کارگردانی فیلیپ هاس ساخته شده است.

رمان موسیقی شانس که به زعم عده ای اثری ابزورد است به روایت زندگی مردی می‌پردازد که به یک باره زندگی اش دچار تحولاتی می‌شود که البته بخشی از این تحولات خود خواسته است.

جیم ناش در بوستون زندگی می‌کند و آتش نشان است. همسرش او را ترک کرده و یک دختر دو ساله دارد که او را برای زندگی پیش خواهرش در مینه سوتا فرستاده است. ناش اوضاع مالی خوبی نداشت تا آنکه ارثیه زیادی از پدرش به او می‌رسد. او از اداره آتش نشانی استعفا می‌دهد. تمام وسایل و حتی پیانو اش را می‌فروشد و به جاده می‌زند. او تمام ایالات متحده را زیر پایش می‌گذارد و با ارثیه اش از زندگی لذت می‌برد.

روزی در همین سفرها، در کنار جاده، با جوان زخمی و کتک خورده ای برخورد می‌کند، او را سوار می‌کند و از آنجا به بعد داستان شکل دیگری به خود می‌گیرد.

جک پازی همان جوان زخمی و کتک خورده ای است که در جاده با ناش آشنا می‌شود. او قمار باز است و در یک کلوپ و در حین بازی دچار درگیری می‌شود و تمام آنچه را که برده بود از دست می‌دهد. در حالی این اتفاق می‌افتد که او با دو ثروتمند اهل پنسیلوانیا قرار بازی گذاشته بود و روی برد آن بازی بسیار حساب کرده بود و حالا هیچ پولی نداشت که بتواند قمار کند. او با ناش از اتفاقاتی که برایش افتاده بود صحبت کرد. ناش تصمیم می‌گیرد ۱۰ هزار دلاری را که از سهم الارثش باقی مانده را برای بازی به او بدهد.

بازی در خانه آن دو ثروتمند پنسیلوانیایی، فلاور و استون، آغاز می‌شود. جک پازی نه تنها ۱۰ هزار دلار و مبلغ دیگری که ته جیب ناش بود را می‌بازد بلکه ماشین او نیز در این قمار از دست می‌رود.

فلاور و استون پیشنهاد می‌دهند که به جای پرداخت مبلغ برای آن ها دیواری بسازند. آن ها شروع به ساختن دیوار می‌کنند و در مرتعی حبس می‌شوند و در یک کاروان به زندگی خود ادامه می‌دهند. فلاور و استون فردی را به نام کالوین مرکس را مامور می‌کنند تا به نیازهای ناش و پازی رسیدگی کند. در مدتی که ناش و پازی در حال ساخت دیوار بودند فشار زیادی روی آن ها بود. پازی این فشار را تاب نیاورد و از آنجا فرار کرد ولی روز بعد ناش او رو زخمی و کتک خورده در مرتع پیدا کرد. مرکس به ناش گفت او را به بیمارستان برده و حالا او خوب شده و از آنجا مرخص شده است.

کار ساختن دیوار را ناش به تنهایی تمام می‌کند. در آخرین شب مرکس به همراه دامادش فلوید ناش را به کافه ای دعوت می‌کنند. در راه بازگشت ناش از مرکس می‌خواهد که بگذارد او پشت فرمان ماشینش بنشیند. پشت فرمان همان ماشینی که به فلاور و استون باخته بود و حالا متعلق به مرکس بود. ناش پشت فرمان می‌نشیند و با سرعت رانندگی میکند و یک تصادف خود خواسته و عمدی را رقم می‌زند.

به نظر من، موسیقی شانس کشش لازم را داشت،اما فقط کشش لازم و نه بیشتر. طوری بود که خواننده بتواند کتاب را تمام کند ولی طوری نبود که تشنه خواندن آن شود. البته بخش ابتدایی کتاب موسیقی شانس یعنی تا آنجایی که جک پازی و ناش آشنا می‌شوند و بعد از آن تا زمانی که قمار با فلاور و استون شروع می‌شود و خود جریان بازی، داستان کشش بسیار بالایی دارد ولی بعد از آن، یعنی از زمانی که شخصیت ها شروع به ساختن دیوار می‌کنند، از کشش داستان کم می‌شود.

موسیقی شانس در ایران توسط خانم خجسته کیهان ترجمه شده و نشر افق آن را به انتشار رسانده است.